



زبان

آدمها می‌رقصند تا موقعیتهای مهمی را بزرگ بدارند و لذت در کنار هم بودن را تجربه کنند.

جسم و جان

ورنر لاهیری

می‌دهند، و رقص ویژگی خاص گردهمایی‌های غیر رسمی در کنفرانس‌ها، در جمع نوجوانان و در مهمانی‌هایی است که برای خواستگار یافتن جوانان برپا می‌شود.

ضربان قلب جامعه

برای یک اجتماع، دور هم جمع شدن و توجه به اینکه چه کسی آمده، چه کسی نیامده، کی دعوت شده و کی دعوت نشده اهمیت دارد - و نیز نشان دادن خودش به اجتماعات دیگر و به جامعهٔ خویش. مراسم شادی و سرور، با نمایش ظرافتها و توانمندیهایش، با خودنماییها و خوشباشیهایش، به ایجاد و تقویت سلسله‌مراتب قدرت

آدمها می‌رقصند تا زندگی‌ها در نابترین لحظاتی بزرگ بدارند که از زمان معمولی به دور است و آنها را به دنیایی بی‌زمان می‌برد. این تجربه برای تمام کسانی که به هنگام واقعه‌ای شاد یا ناشاد با راجعیهایی (رقص آهسته)، شرکت در مراسم مختلف (با ضرباهنگهای متفاوت) یا با شادمانی و پایکوبی به آن می‌پردازند آشناست.

رقص حتی امروز هم نقطهٔ اوج یک جشن روستایی با شهری است. عروس‌ها، گردهمایی‌های مذهبی و اجتماعی با رقص خاتمه می‌یابد. سازمان‌های شردوست گردهمایی‌های نیوکراته همراه با رقص را سازمان

جشنواره‌های لا رقص سومیان در لائورا، کولمبند (استونیا).

ورنر لاهیری

نویسنده بلژیکی است. آثار منتشر شده وی عبارتند از:

Anvers (بروکسل، ۱۹۹۴) و

Voss Subito (۱۹۹۲).

شنبه پیش از دوران روزه بزرگ شرکت می‌کنند با لباسهای پردار خود از چهار صبح به مدت سه روز همراه ضرب یک دایره زنگی پایکوبی می‌کنند. در اینجا ما چندان به دور از عوالم خلسه وار رقص «ودوه» یا رقصهای نیایش هندی نیستیم - تجربه‌هایی که در آنها رقص با ناپدید شدن ارتباط برقرار می‌سازد و ناگفته‌ها را با اشارات بیان می‌کند.

خوشه چینان و دروگران بی آنکه رقص برای بزرگداشت خرم، شکرگزاری از خدایان، راز و نیاز با عناصر حیات و عهده دیدار بعدی، برپا سازند هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. بیرون از بافت خانواده، اجتماع یا قبیله، رقصیدن به قصد بزرگداشت روزهای ملی و تاریخی، راهی است که به هیبتگی با جهان می‌انجامد. رقص پیش از آنکه آرزویی برای گسستن از قوانین عام باشد میلی است برای یکی شدن با هماهنگی قلمروهای گوناگون. رقصندگان به صورت منفرد، زوج یا گروه، همیشه بیش از آنچه منحصرأ اقتضای آن موقعیت خاص است - که دلیل کردهایی آنان است - از خود عرضه می‌کنند. آنها از حدود زمان و مکان واقف فراتر می‌روند. پان هنوز زنده است. او تبدیل به یک پانک یا رپ شده است.

هر جا رقص است امید است.

در پای خرابه‌های دیوار برلین رقص برپا شد، همچنانکه در ووداستاک نیز برای اعتراض به جنگ ویتنام رقصیدند. در قرون وسطا رقصی برای مردگان مرسوم بود هر چیز، حتی وحشت از چیزی، می‌تواند بهانه‌ای باشد برای برپایی رقص. اما هر جا رقص است امید است. چیزی به نام رقص یأس وجود ندارد به همین دلیل واکنش بی‌دنگ آدمها در برابر وقایع رقصیدن است. این می‌تواند کار خطرناکی باشد، مثل



در شهر تبرانا واقع در کشور شیلی، طی جشن شش روزه که در ژوئیه برگزار می‌شود مردم با کوزه مورد ستایش قرار می‌گیرند.

در داخل یک گروه اجتماعی کمک می‌کنند. در این گونه مواقع، رقص مناسبات غالباً پراکنده‌ای را تقویت می‌کند که یک گروه بر آن مبنا استوار است، حتی در زمانی که برابری را در مورد اعضایش رعایت نمی‌کند.

وقتی جامعه‌ای پایکوبی می‌کند حکم یک پیکر واحد را می‌یابد. پیکر اجتماعی نیز همچون پیکر یک فرد نیازهایی دارد که به موقع باید مورد توجه قرار گیرد و برآورده شود. رقص در جامعه ایجاد حرکت می‌کند و اعضای آن را در جهت آشکار ساختن قدرت بدنی، سرزندگی و بردباری‌اش مورد تشویق قرار می‌دهد. رقصندگانی که همه ساله در بلژیک در کارناوال سه

جشن شادی زنگی در دالار (استرالیا).





پایین:
فرهناست که برود جشنون
(انگلستان) با رقص «طاری» در
آمدن بهار را جشن می‌گیرند.
رقصدگان از خیابانها عبور
می‌کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اجتماعی است. چهار راه دیدار و مبادله بین عقلانی و غیر عقلانی است. وقتی انسانها دوشادوش یکدیگر پایکوبی می‌کنند، جشنیه سرکش سرشت انسانی را، که بخش جدایی‌ناپذیر بقای ماست، از نابودی و یکنواختی در امان نگه می‌دارند. رقص به معنای طرد و پرهیز از دنباله روی و کشف دوباره جوهر دموکراسی است. گوناگونی، توانمندبها و آزادی جنبش و حرکت است.

بازی با آتش، اما برای ارتباط با دیگری حکم القیار دارد. زبان روح رقص است، نه کلام شفاهی یا مکتوب. رقصیدن دستبانی به ضربان قلب جهان و کوک شدن با ضرباهنگ آن است. رقص به معنای گوش دادن به دیگران و شناسایی زمینه‌های مشترک است. همه جامعه انسانی بر این اصل استوار است. رقص درونمایه زندگی شسوسی و خانوادگی، و زندگی مذهبی و